

U.S. Containment Strategy and the Expansion of China's International Presence through the Belt and Road Initiative

Ahmad Javid Kamal Yar PhD Student in International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: kamalyar222@gmail.com

Saeed Mirtorabi Corresponding Author, Associate Professor of International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: saeedmirtorabi@gmail.com

Mohammad Vali Modarres Assistant Professor of International Relations, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: mvmodarres@khu.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

United States,
China,
Pivot to Asia Strategy,
Belt and Road Initiative,
Neoclassical Realism

ABSTRACT

Since 2013, China has announced and advanced the largest infrastructure and development project in the world, known as the Belt and Road Initiative. Various perspectives have been presented regarding China's motivations and objectives in entering this unprecedented global megaproject in terms of scope and scale. One less-discussed idea that this article explores is the impact of the U.S. pivot to Asia strategy on the expansion of China's designing its international program under the Belt and Road Initiative. In this context, the main question based on the descriptive-explanatory method of the article is: how has the announcement of the U.S. pivot to Asia strategy influenced the perceptions and calculations of China's new leadership in designing a more proactive international policy? The hypothesis tested is that "the announcement of the U.S. pivot to Asia strategy, while reinforcing the perception of the threat of China's encirclement, prompted Beijing's new leadership to expand its currently designing international strategy in the form of the Belt and Road Initiative, in order to indirectly counter this threat and ensure the continuity of China's rise in the international arena." The findings of the article indicate that, had the U.S. pivot to Asia strategy not been announced, China's new leaders would likely have pursued less ambitious programs in their surrounding environment instead of proposing the Belt and Road Initiative..

Cite this Article: Kamal Yar, A. J. , mirtorabi, S. and Modares, M. V. (2025). U.S. Containment Strategy and the Expansion of China's International Presence through the Belt and Road Initiative. *International Relations Researches*, 14(4), 63-88. doi: 10.22034/irr.2025.491459.2635



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.491459.2635

راهبرد مهار آمریکا و گسترش حضور بین‌المللی چین در قالب ابتکار کمربند و راه

احمد جاوید کمال یار دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: kamalyar222@gmail.com

سعید میر ترابی نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: saeedmirtorabi@gmail.com

محمد ولی مدرس استادیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: mvmodarres@khu.ac.ir

چکیده	درباره مقاله
<p>چین از سال ۲۰۱۳ بزرگترین پروژه زیرساختی و توسعه‌ای در سطح جهان را با عنوان ابتکار کمربند و راه اعلام کرده و پیش برده است. درباره انگیزه‌ها و اهداف چین در ورود به ابرپروژه‌ای که از نظر گستره و ابعاد در سطح جهان بی‌سابقه است، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. ایده کمتر بحث شده‌ای که مقاله حاضر دنبال می‌کند، تأثیر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده در گسترش بخشیدن به برنامه بین‌المللی در حال طراحی چین در قالب ابتکار کمربند و راه است. در همین راستا، پرسش اصلی مبتنی بر روش توصیفی - تبیینی مقاله این است که اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، چگونه بر ادراک و محاسبات رهبری جدید چین برای طراحی یک سیاست فعال تر بین‌المللی تأثیر گذاشته است؟ پاسخی که به عنوان فرضیه مورد آزمون قرار گرفته این است که «اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، ضمن تقویت ادراک تهدید محاصره شدن چین، رهبری جدید پکن را بر آن داشت تا راهبرد بین‌المللی در حال طراحی خود را به گونه‌ای در قالب ابتکار کمربند و راه گسترش دهند تا ضمن مقابله غیرمستقیم با تهدید مذکور، روند استمرار خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی را تضمین کند». یافته مقاله حاکی از آن است که در صورت عدم اعلام راهبرد چرخش به آسیا، رهبران جدید چین به جای طرح ابتکار کمربند و راه، احتمالاً برنامه‌های کم دامنه تری را در محیط پیرامونی خود دنبال می‌کردند.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>کلیدواژه‌ها: ایالات متحده، چین، راهبرد چرخش به آسیا، ابتکار کمربند و راه، رنالیسم نئوکلاسیک</p> <p>تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰</p>

استناد به این مقاله: کمال یار، احمد جاوید، میر ترابی، سعید و مدرس، محمد ولی. (۱۴۰۳). راهبرد مهار آمریکا و گسترش حضور بین

المللی چین در قالب ابتکار کمربند و راه. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۶۳-۸۸. doi: 10.22034/irr.2025.491459.2635

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل



ابتکار احیای جاده ابریشم چین که اکنون به طور رسمی ابتکار کمربند و جاده نامیده می‌شود، در سال ۲۰۱۳ توسط رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، اعلام گردید. امروز این ابتکار به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه زیرساختی جهان، جایگاهی محوری در سیاست‌خارجی چین پیدا کرده است. این ابتکار در دغدغه و رویکردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی پکن ریشه دارد که حمل‌ونقل زمینی و دریایی را با سرمایه‌گذاری بزرگ تحت پوشش قرار می‌دهد و چین را به اروپا، آفریقا و منطقه وسیع تر آسیا - اقیانوسیه متصل می‌نماید. هدف این ابتکار به طور رسمی، تسهیل همکاری میان چین و کشورهای شریک در عرصه‌های زیرساخت، تجارت، امورمالی، فناوری و پیوندهای فرهنگی اعلام شده است تا بتواند در یک چارچوب برد-برد، منافع کشورهای شریک و چین را تأمین کند. با این حال با عنایت به روند رو به خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی و ابعاد و گستره عظیم ابتکار و ماهیت سرگشاده آن، تفسیرهای مختلفی درباره انگیزه‌های چین در اعلام و پیشبرد این ابرپروژه مطرح شده است. برخی بر این نظرند که چین انگیزه‌ی اقتصادی دارد و در پی دسترسی به بازارهای جهانی و امنیت انرژی است، اما تعدادی دیگر معتقدند که، علاوه بر انگیزه‌ی اقتصادی، انگیزه‌ی ژئوپلیتیکی پشت این طرح به منظور گسترش حوزه‌های نفوذ چین نیز مد نظر است. شماری دیگر نیز نیازهای اقتصادی و سیاسی داخلی چین را در پیشبرد این ابتکار دخیل می‌دانند. واقعیت این است که همه این ایده‌ها می‌تواند درباره انگیزه‌های طرح ابتکار کمربند و جاده تا اندازه‌ای درست باشد و آثار فراوانی نیز برای ترسیم انگیزه‌های مختلف چین در پیگیری ابرپروژه مذکور منتشر شده است. با این حال مقاله حاضر تلاش دارد از یک منظر که کمتر مورد توجه قرار گرفته است ابتکار کمربند و راه چین را مورد بررسی قرار دهد. به این معنا که بررسی کند رهبری چین در چه شرایطی و بر مبنای چه برداشتی از شرایط نظام بین‌المللی و ابزارها و منابع در دسترس کشورشان، پیشبرد بزرگترین طرح زیرساختی جهان را اعلام کردند.

این موضوع از این نظر اهمیت دارد که چین حدود سه دهه راهبرد کم فروغ ماندن در عرصه بین‌المللی را پیش برده بود و طرح یک ابتکار بلندپروازانه بین‌المللی به معنای درگیر شدن گسترده منابع مالی، سیاسی، فنی و تولیدی این کشور در محیط پیرامونی اش محسوب می‌شد. این کار همچنان پیام عدول چین از راهبرد پیروی از قواعد و کم فروغ ماندن را به بازیگران بین‌المللی و به ویژه ایالات متحده منتقل می‌کرد. ضمن اینکه در بستر زمانی اعلام ابتکار مذکور، دو تحول بسیار مهم و به هم مرتبط یکی در داخل چین و دیگری در محیط پیرامونی این کشور رخ داده بود. تحول اول این بود که نسل پنجم رهبری





چین در کنگره هیجدهم حزب کمونیست و یک سال پیش از اعلام ابتکار مذکور به قدرت رسید و مشخص بود که رهبران جدید مایلند نقشی فعال تر در عرصه بین‌المللی ایفا کنند. تحول دوم نیز به اعلام راهبرد چرخش به آسیای آمریکا در سال ۲۰۱۱ در دولت اوباما باز می‌گردد. بر این مبنا ایالات متحده اعلام کرد اولویت حضور سیاسی و اقتصادی و امنیتی خود را از این پس بر منطقه وسیعی از اقیانوس آرام و هند متمرکز خواهد کرد که اتفاقاً محیط پیرامونی چین به ویژه در عرصه دریایی را در بر می‌گرفت. در همین راستا، مقاله حاضر تلاش می‌کند تأثیر تحول دوم یعنی راهبرد چرخش به آسیا را بر شیوه محاسبات رهبری جدید و طراحی چگونگی فعال شدن چین در محیط پیرامونی اش مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در همین راستا، پرسش اصلی مقاله این است که اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، چگونه بر ادراک و محاسبات رهبری جدید چین برای طراحی یک سیاست فعال تر بین‌المللی تأثیر گذاشته است؟ پاسخی که به عنوان فرضیه مورد آزمون قرار گرفته این است که « اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، ضمن تقویت ادراک تهدید محاصره شدن چین، رهبری جدید پکن را بر آن داشت تا راهبرد بین‌المللی در حال طراحی خود را به گونه‌ای در قالب ابتکار کمربند و جاده گسترش دهند تا ضمن مقابله غیرمستقیم با تهدید مذکور، روند استمرار خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی را تضمین کند». بر مبنای فرضیه حاضر، راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده به عنوان متغیر مستقل عمل کرده و بر متغیر میانجی یعنی ادراکات و محاسبات رهبری جدید درباره تهدیدها و فشارهای بیرونی و توانمندی‌ها و فرصت‌های داخلی برای مقابله با آنها تأثیر گذاشته است که خروجی نهایی آن در قالب ابتکار کمربند و جاده ظاهر شده است.

مقاله برای آزمون فرضیه فوق پس از بررسی ادبیات موضوع، به تبیین رویکرد نظری در چارچوب رهیافت «رنالیسم نئوکلاسیک» می‌پردازد تا نشان دهد که با این عینک نظری می‌توان تأثیر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده بر ابتکار کمربند و راه را بهتر درک کرد. در ادامه به منظور تحلیل فرضیه، راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، برداشت رهبران پکن از آن و حرکت در مسیر بسیج منابع داخلی برای مقابله با تهدید ادراک شده و سپس ابتکار کمربند و راه بر مبنای ادراک فشارهای سیستمی و اتکا به منابع داخلی، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. ادبیات موضوع

در مورد ادبیات موضوع پژوهش می‌توان گفت که تا به حال آثار فراوانی درباره‌ی راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده و ابتکار احیای جاده ابریشم چین و همچنین درباره‌ی رویکرد و واکنش ایالات



متحدہ آمریکا در قبال ابتکار کمربند و جاده چین به خصوص در زبان انگلیسی به نگارش درآمده است. با این وجود، در مورد تأثیر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده بر اعلام ابتکار احیای جاده‌بریشم چین مطالعات مستقل چندانی صورت نگرفته و در منابع فارسی نیز چنین ایده‌ای مورد بحث قرار نگرفته است. در ادامه به شماری از منابع که به موضوع مورد بحث مقاله ارتباط دارند اشاره می‌شود.

در مقاله «رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال ابتکار کمربند راه در پرتو راهبرد کلان آمریکا در قبال چین (۲۰۱۳-۲۰۲۰)» نویسندگان بر این باورند که، شناخت رویکرد و الگوی رفتاری ایالات متحده در برابر ابتکار کمربند و جاده چین، محورها و ابعاد مهمی از روابط و تعاملات متقابل واشنگتن و پکن را نمایان می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که، ایالات متحده ابتکار کمربند و جاده چین را تلاشی برای تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی چین در سطوح منطقه‌ای هند - اقیانوس آرام و جهان می‌داند که با منافع ایالات متحده در سطح منطقه و جهان در تعارض قرار دارد و آمریکا الگوی تقابل و رقابت را در برابر این ابتکار دنبال کرده و استراتژی کلان این کشور در این بازه‌ی زمانی در قبال چین از استراتژی مبتنی بر همکاری و رقابت به استراتژی مبتنی بر تقابل و رقابت تغییر یافته است (اشرفی و شیخ‌الاسلامی، ۱۴۰۲).

مقاله «تحلیل چرخش ایالات متحده به آسیا و تعادل مجدد جهانی چین از طریق ابتکار کمربند و جاده» بر روی سیاست چرخش به آسیا و ابتکار کمربند و جاده به‌عنوان دو پارادایم رقیب که روابط ایالات متحده و چین را در نظام منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌کند، تمرکز دارد و بر این فرض استوار است که یک رابطه دیالکتیکی بین چین و آمریکا وجود دارد که از طریق راهبرد چرخش به آسیا و ابتکار کمربند و جاده آشکار می‌شود. این مقاله خطوط هردو استراتژی را در چارچوب نظریه ثبات هم‌زمانیک بررسی کرده تا رفتار ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت جهان و چین به‌عنوان قدرت در حال ظهور را بررسی کند. این پژوهش در پرده‌برداری از تجدیدنظر استراتژیک ایالات متحده در اقیانوس هند و آرام، اتحاد این کشور با بازیگران منطقه‌ای به‌منظور مهار چین و مقابله پکن با این راهبرد از طریق ارائه مشوق‌های اقتصادی و پروژه‌های توسعه‌ای، کمک می‌کند (Ishaque, 2022). با این همه مقاله پیوند اولیه‌ای میان راهبرد چرخش به آسیای آمریکا و ابتکار کمربند و راه چین برقرار نکرده است.

نویسندگان یک گزارش تحلیلی با عنوان «پیامدهای کمربند و جاده‌ی چین برای ایالات متحده» بر این نظرند که، چین می‌خواهد از طریق این ابتکار، ثروت انباشته شده‌ی خود را به‌کار انداخته و جهت تجارت جهانی را از سمت ایالات متحده و اروپای غربی به سمت چین سوق دهد. گزارش مدعی است این ابتکار چین را قادر می‌سازد تا از طریق تله‌بدهی، فناوری چینی و استانداردهای ترجیحی برای



دریافت‌کنندگان ابتکار، کشورها را در اکوسیستم چین بکشاند آنها را حتی به تصمیم‌گیری‌های سیاسی به پکن وابسته سازد (Lew et al, 2021). مقاله «ابتکار کمربند و جاده و رقابت/استراتژیک چین-ایالات متحده»^۱ به واکنش ایالات متحده به ابتکار زیرساختی چین با عنوان «ساخت جهان بهتر» که در سال ۲۰۲۱ توسط آمریکا و کشورهای گروه هفت مطرح شد پرداخته است. مقاله از تشدید رقابت میان چین و آمریکا و متحدانش در ابتکارهای زیرساختی ابراز نگرانی کرده و خاطرنشان ساخته است که این وضع ممکن است کشورهای به شدت نیازمند به توسعه زیرساخت‌ها را به انتخاب میان چین یا کشورهای غربی وادار کند (Zhao, 2021).

مقاله «ارزیابی انگیزه‌های چین: چگونه ابتکار کمربند و جاده منافع ایالات متحده را تهدید می‌کند»^۲ ابتکار کمربند و جاده را ابزاری برای جایگزینی نظم بین‌المللی لیبرال می‌داند و بر این باور است که اگر ابتکار کمربند و جاده به چشم‌انداز برنامه‌ریزی شده خود دست یابد، منافع ایالات متحده و شرکای آن را در اروپا و هند - اقیانوس آرام به چالش خواهد کشید. به باور نویسنده، چندجانبه‌گرایی و ایجاد توافقی‌های قوی چندملیتی به رهبری ایالات متحده که بر سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های هدفمند تمرکز کند و کشورها را از وابستگی به چین دور کند، برای مقابله با نفوذ ایجاد شده‌ی این ابتکار، ضروری است (Lindley, 2022). بر این اساس می‌توان گفت منابع بسیاری به واکنش‌های آمریکا و متحدانش به ابتکار کمربند و راه چین اشاره کرده‌اند و نگاه واکنشی چین به سیاست‌های آمریکا که منجر به اعلام ابتکار کمربند و راه شده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ضمن اینکه جستجوی انگیزه‌های چین در اعلام و پیشبرد ابتکار کمربند و راه با تکیه بر رویکرد نظری رئالیسم‌نئوکلاسیک، وجه متمایز مقاله حاضر است.

۲. چارچوب نظری

در تبیین مسئله و راستی‌آزمایی فرضیه پژوهش، از چارچوب نظری رئالیسم‌نئوکلاسیک بهره گرفته شده است. دلیل انتخاب این رهیافت، توجه و تمرکز لازم و هم‌زمان آن به عوامل سطح‌واحد و نیز عوامل سطح سیستمیک و کلان در تحلیل سیاست‌ خارجی و موضوع پژوهش می‌باشد. در ادامه به مؤلفه‌ها و ابعاد نظریه‌ی رئالیسم‌نئوکلاسیک که ما را در تحلیل موضوع پژوهش کمک می‌کند، پرداخته می‌شود.

¹ The Belt and Road Initiative and China-US strategic competition

² Assessing China's Motives: How the Belt and Road Initiative Threatens US Interest



رنالیسم نئوکلاسیک که توسط گیدئون رُز^۱ به مجموعه از آثاری در عرصه روابط بین‌الملل اطلاق می‌شود که در توضیح سیاست خارجی و فراتر از آن، در تبیین روابط بین‌الملل از تعداد زیادی مؤلفه‌های رنالیسم استفاده کرده است. بر خلاف نئورنالیست‌ها آنها فقط به عوامل سیستمی توجه ندارند، بلکه بر این نظرند که ساختار داخلی کنشگران و برداشت‌ها و ادراکات ذهنی رهبران هم‌چنان حائز اهمیت می‌باشد و لزوماً به سطوح مختلف تحلیل تأکید می‌نمایند و در عین حال آنها آنا‌رشی را نیز مهم می‌پندارند (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۹). نظریه‌پردازان رنالیسم نئوکلاسیک این مفروضه رنالیسم که در نظام آنا‌رشیک بین‌الملل امنیت تنها هدف دولت‌ها است را رد کرده و به جای آن بر این نظرند که کنشگران کوشش می‌کنند تا از طریق بیشینه‌سازی قدرت خود، سیستم بین‌الملل را به طرف ترجیحات و اهداف خود سمت‌وسو بدهند. برای اساس کشورهایی که قدرت بیشتری در صحنه بین‌المللی دارند، سیاست خارجی بلندپروازانه‌تری را تعقیب می‌کنند (Rose, 1998: 155-156). رنالیسم نئوکلاسیک یک تحلیل چندسطحی است و سه سطح را در تحلیل سیاست خارجی کشورها مؤثر می‌داند. در بخش اول، سطح سیستمیک و کلان را تحلیل و تجزیه می‌نمایند و آن را به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌کنند. بعد از آن سطح واحد یا مؤلفه‌های داخلی کشورها را بررسی و ارزیابی می‌کنند و آن را متغیر میانجی به حساب می‌آورند و سرانجام با ادغام عوامل و متغیرهای خارجی و داخلی، تحلیل مناسب و کامل از سیاست خارجی کشورها به عنوان متغیر وابسته ارائه می‌دهند (Shweller and Priess, 1997: 4-5).

نئوکلاسیک‌ها قبل از سایر متغیرها به توزیع قدرت نسبی، سیستم آنا‌رشیک بین‌المللی و بی‌اعتمادی فزاینده در روابط بین‌الملل توجه دارند (Rose, 1998: 146). نئوکلاسیک‌ها استدلال می‌کنند که جاه‌طلبی یک کشور از مؤلفه‌های قدرت نسبی ریشه می‌گیرد، بخاطر اینکه این قدرت نسبی فشارهای سطح سیستمی، ساختار دولت و روابط متغیرهای مداخله‌گر یا سطح داخلی مثل تصورات و ادراکات تصمیم‌سازان را، دگرگون می‌نماید (Rathburn, 2008: 295). نخبگان سیاسی در تدوین و اجرای سیاست خارجی به بررسی وقایع و تهدید و یا فرصت و چالش شمردن آنها می‌پردازند و این فرصت‌ها یا تهدیدها، از فیلتر تصورات و ادراکات رهبران کشورها می‌گذرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۰-۲۸۱). آنها تحولات احتمالی در توزیع قدرت یا نیت دیگران را تشخیص می‌دهند و در عرصه سیاست خارجی انتخاب گزینه‌بهتر از میان گزینه‌های مختلف، وظیفه رهبران و ناشی از تصورات آنها است (سلیمی و ابراهیمی،

¹ Gideon Rose



۱۳۹۴: ۳۵). بر این اساس، تأمین امنیت برای همه دولت‌ها مسئله نیست، ممکن است دولت‌های طالب حفظ وضع موجود در جستجوی امنیت باشند اما دولت‌های تجدیدنظرطلب، به دنبال تجدید جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند (Shweller, 1996: 110). به باور آنها، گزینه سیاست خارجی کشورها را می‌توان در سه دسته از راهبردها طبقه‌بندی نمود: ادامه راهبردهای موجود، تقلید از راهبردهای موفق قدرت‌های بزرگ و توسعه‌یافته، و ایجاد و پی‌گیری یک سیاست خارجی جدید و به دست گرفتن ابتکار عمل. عوامل سطح سیستمی و سطح واحد هر دو در گزینش هریک از این رفتارها تأثیر دارند (سادات‌الوند و سادات حسینی، ۱۳۹۹: ۶). در مورد کاربست رئالیسم نئوکلاسیک در تحلیل فرضیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، از منظر رهبری چین به معنای تشدید فشارهای سیستمیک برای مهار خیزش قدرت این کشور تلقی گردید.

۲- این در حالی بود که از منظر نسل پنجم رهبری چین انباشت نسبی قدرت این کشور که از استمرار روند رشد اقتصادی ناشی شده و حتی بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸ را پشت سر گذاشته بود، این امکان را فراهم می‌کرد که پکن از سیاست حفظ وضع موجود که در قالب راهبرد کم فروغ ماندن پس از دوره اصلاحات آغاز شده بود، عبور کند و برای تجدید جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی، رویکرد فعال تری را دنبال نماید.

۳- چنانچه که در ادامه نشان داده خواهد شد، رهبری چین پیش از اعلام راهبرد چرخش به آسیای آمریکا، سرگرم بررسی تحولات در توزیع قدرت بین‌المللی بود و به طور کلی گزینه‌های محدودتری را برای فعال تر شدن و کاربرد منابع قدرت خود در عرصه بین‌المللی مد نظر داشت. چراکه این نگرانی وجود داشت که فعال تر شدن چین در محیط پیرامونی با واکنش منفی ایالات متحده روبرو شود.

۴- اعلام راهبرد جدید آمریکا، بر ادراکات رهبری چین از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو به شدت اثر گذاشت چراکه از نظر آنها آمریکا، حتی پیش از فعال تر شدن چین در عرصه بین‌المللی، اقدامات محدود کننده خود را آغاز کرده بود.

۵- شرایط جدید، نسل پنجم رهبری چین را بر آن داشت که سیاست فعال تر شدن در عرصه بین‌المللی را به گونه‌ای طراحی کنند تا هم بتواند با اقدامات محدود کننده آمریکا و متحدانش مقابله کند و هم بستری برای به کارگیری منابع قدرت چین در محیط پیرامونی فراهم کند. ابتکار کمربند و راه این گونه در دستور کار قرار گرفت.



۳- تحلیل فرضیه:

۳-۱ متغیر سطح سیستمی: راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده

نئوکلاسیک‌ها سطح سیستمی و فشارهای نظام بین‌الملل را بر رفتار سیاست خارجی کشورها موثر می‌دانند. بر این مبنا می‌توان گفت اعلام ابتکار احیای جاده ابریشم چین تا اندازه زیادی در پاسخ به فشارهای سطح سیستمی و تحولات نظام بین‌الملل صورت گرفته است. استراتژی چرخش به آسیا در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ توسط بارک اوباما هنگام سخنرانی در پارلمان استرالیا، اعلام گردید. وی از تغییر سیاست خارجی آمریکا از خاورمیانه به آسیا - پاسیفیک خبر داد. وی تأکید کرد که «ایالات متحده نقش گسترده‌تر و بلندمدتی را در تغییر شکل این منطقه و آینده آن با حفظ قواعد بنیادین و مشارکت نزدیک با متحدان خود ایفا خواهد کرد» (White House, 2011). همچنین در همین سال، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، بیانیه‌ی «قرن پاسیفیک آمریکا» را منتشر کرد. بیانیه او به‌درستی و به‌طور رسمی‌تر راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده را توضیح داد. وی تبیین کرد که با تغییر در اولویت‌های منطقه‌ای واشینگتن، آینده سیاست در آسیا - پاسیفیک تعیین می‌شود نه در افغانستان یا عراق، و این منطقه دقیقاً در مرکز نگرش‌های ایالات متحده آمریکا قرار خواهد داشت. همچنین کلینتون، این منطق را بیان کرد که «همان‌طور که آسیا برای آینده آمریکا حیاتی است، آمریکای متعهد نیز برای آینده آسیا حیاتی است» (Clinton, 2011). منطقه هند و اقیانوس آرام به عنوان مرکز ثقل آینده‌ی اقتصادی جهان پیش‌بینی شده است. ایالات متحده با درک ظرفیت‌های گسترده‌ی این منطقه، متعهد به تجدید تعامل و تمرکز بر این منطقه شده است (Wang, 2016: 81). راهبرد چرخش به آسیا، با استقرار روابط استثنایی دیپلماتیک و نظامی آمریکا با اکثر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای به حرکت افتاد (Bower et al, 2015). هیلاری کلینتون منطقه هند و اقیانوس آرام را به‌عنوان «نقطه تکیه‌گاه» برای ایجاد تعاملات جامع چندجانبه امنیتی و اقتصادی بلندمدت و پایدار با کشورهای منطقه، در هماهنگی با دیپلماسی حاکم و روبه‌توسعه میان آمریکا و کشورهای منطقه، توصیف کرد (Clinton, 2010). بر همین مبنا می‌توان گفت راهبرد چرخش به آسیا، تغییراتی جدی در آرایش قدرت آمریکا و کشورهای متحد آن به این شرح ایجاد کرد:

۳-۱-۱ جلوگیری از سواری مجانی چین از امنیت آمریکایی محور خاورمیانه: چین طی سال‌های پیش از این راهبرد، برای ارتقا و حفظ منافع اقتصادی و تأمین منابع انرژی خود، بر امنیت آمریکایی محور



خاورمیانه تکیه کرده بود بدون آنکه هزینه ای بابت آن پرداخت کند. طی چند دهه، بخش عمده‌ای از هزینه‌های تامین امنیت منابع انرژی در جهان، برعهده‌ی آمریکا به عنوان ابرقدرت جهان بود و به نظر نخبگان سیاسی این کشور، این هزینه‌ها در کنار این که امنیت منابع انرژی رقبای آمریکا را تامین می‌کرد، در عرصه اقتصاد موجب عقب افتادن آمریکا از رقبا شده بود. بدین ترتیب آمریکا با اتخاذ راهبرد چرخش به آسیا، از سواری مجانی رقبایی همچون چین بابت هزینه‌هایی که واشنگتن برای تامین ثبات سیاسی خاورمیانه انجام می‌داد، جلوگیری می‌کرد (موسوی و خدایی، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۱). با عنایت به این که چین در حال وابسته‌تر شدن بیشتر به منابع انرژی خاورمیانه است، در این شرایط، امکان اعمال فشار بر چین از طریق حوادث و بحران‌های خاورمیانه وجود دارد. در این حال بی ثبات تر شدن بیشتر منطقه خاورمیانه، چین را ناگزیر خواهد ساخت هزینه بیشتری را برای تامین اهدافش در منطقه بپردازد.

۲-۱-۳- ناگزیر شدن چین به تامین امنیت انرژی مطلوب خود در خاورمیانه: رئالیسم نئوکلاسیک برای تحلیل جایگاه منابع انرژی در سیاست خارجی کشورها مفید است. از این منظر می‌توان گفت در چارچوب متغیرهای سیستمی، چینی‌ها به ژئوپلیتیک انرژی خاورمیانه و توزیع منابع انرژی در سطح منطقه در محدوده روابط خود با کشورهای منطقه، توجه دارند. در چارچوب متغیرهای سطح واحد، برداشت رهبران پکن این است که چین یک کشور واردکننده انرژی است و تقاضای این کشور به منابع انرژی در حال افزایش است و منابع سرشار انرژی در خاورمیانه یکی از مهمترین منابعی است که می‌تواند تقاضای انرژی این کشور را برآورده کند. از این رو چین ناگزیر خواهد بود در شرایط پس از اعلام راهبرد چرخش به آسیا، حضور پررنگ تری در منطقه خاورمیانه برای تضمین انتقال انرژی به این کشور داشته باشد. در همین راستا، گسترش تدریجی طرح‌های زیرساختی کمربند و راه که همزمان در برگیرنده خطوط لوله و راه‌های مختلف انتقال انرژی نیز هست، مد نظر مقام‌های چینی قرار گرفت.

چین به عنوان بزرگترین واردکننده انرژی در جهان برای تامین بیش از دو سوم نفت مورد نیاز خود به مسیرهای انتقال انرژی از خلیج فارس و اقیانوس هند وابسته است. طبق داده‌های اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، چین هر روز ۱۰.۳ میلیون بشکه نفت در سال ۲۰۲۱ وارد کرده است که ۶۷ درصد یعنی بیش از دو سوم آن از مسیرهای دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند عبور می‌کند. در این حال، انباشت نصف نفت خام جهان در خاورمیانه و روابط راهبردی چین با کشورهای نفت خیز این حوزه، وابستگی این کشور به واردات نفت از این منطقه را در آینده نیز افزایش خواهد داد. به این ترتیب رفع نگرانیهای احتمالی امنیت مسیرهای انتقال انرژی چین یکی از محرک‌های اصلی این کشور برای حضور فزاینده



در منطقه است (چگینی زاده و رضوی، ۱۴۰۲: ۱۴). بروز رخدادهای بی ثبات کننده موسوم به بهار عربی چین را از منظر بروز بی ثباتی در منطقه نفت خیز خاورمیانه غافلگیر کرد. لو شایه، مدیر کل اداره امور آفریقایی وزارت خارجه چین، در همین راستا ابراز نگرانی کرد که این وضع ممکن است در نهایت دسترسی پکن به نفت و گاز را محدود کند. از این رو، در مطبوعات چین موضعی منتشر شد که خواستار تغییر در موضع سنتی عدم مداخله در سیاست خارجی چین بودند (Shai, 2012; Junbo, 2011).

به نظر می رسد چین با عقب رفتن تدریجی آمریکا از خاورمیانه تلاش کرده است تهدید ناشی از خلاء قدرت در منطقه را با حضور پررنگ تر خود در عرصه های مختلف و به ویژه در بخش انرژی مدیریت کند. همراه با افزایش واردات انرژی، چین به طور چشمگیری صادرات کالا و سرمایه خود به خلیج فارس را افزایش داد و در سال ۲۰۱۸ به شریک تجاری اصلی این منطقه تبدیل شد و اتحادیه اروپا را پشت سر گذاشت. روند مشابهی در سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین مشاهده می شود که به تنوع اقتصادی این منطقه کمک کرده است. چین و کشورهای خلیج فارس در بیش از ۲۰۰ پروژه بزرگ ساختمانی همکاری کرده اند، از جمله تأسیسات ذخیره سازی انرژی برای پروژه های شهری جدید در سواحل دریای سرخ در عربستان سعودی و نیروگاه خورشیدی ال ذفرا در امارات متحده عربی. تا پایان سال ۲۰۲۳، بانک توسعه چین از ۹۹ پروژه حمایت کرده و وام هایی به ارزش بیش از ۱۷ میلیارد دلار به کشورهای عربی ارائه داده است (China Development Bank, 2023). در حرکتی که اوج جدیدی از روابط چین با خلیج فارس را نشان می دهد، شی جین پینگ در دسامبر ۲۰۲۲ به عربستان سعودی سفر کرد و در اولین اجلاس سران چین و کشورهای عربی و اولین اجلاس شورای همکاری خلیج فارس شرکت نمود. در مارس سال ۲۰۲۳ نیز حلقه دیگر تلاش های چین برای مدیریت چالش های منطقه نفت خیز خلیج فارس با میانجی گری میان ایران و عربستان برای امضای یک پیمان همکاری پس از سال ها رقابت پرهزینه آشکار گردید.

۳-۱-۳- استقرار مجدد بخش بزرگ نیروهای نظامی آمریکا در هند - اقیانوس آرام: انتقال بخش مهمی از تجهیزات و دارایی های نظامی و لجستیکی به منطقه ی هند - اقیانوس آرام و پیشبرد راهبرد مهار و محاصره چین به شکلی بی سروصدا از اهداف مهم واشینگتن محسوب می شود. این موضوع شامل جابه جایی تجهیزات نظامی از عراق و افغانستان به منطقه ی هند - اقیانوس آرام نیز می شود. راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، دو پایه ی اساسی دارد، پایه ی نظامی این راهبرد این بود که ۶۰ درصد کل نیروی دریایی آمریکا تا سال ۲۰۲۰ در اطراف چین متمرکز شود و پایه ی سیاسی آن حمایت از قدرت های



رقیب چین از جمله هند و اندونزی از طریق تقویت توان اقتصادی آنها بود (جوزانی کهن و جوزانی کهن، ۱۳۹۷: ۱۳۲). در زمان اعلام راهبرد چرخش به آسیا، ایالات متحده نزدیک به ۸۵ هزار نیروی نظامی در کره جنوبی و ژاپن مستقر کرده بود که شمار آنها را به میزانی افزایش داد. در عین حال، مقرر شد از آوریل ۲۰۱۲، ۲۵۰ تفنگدار دریایی ایالات متحده به تأسیسات موجود ارتش استرالیا در داروین اعزام شوند. همچنین اعلام شد که این تعداد احتمالاً در سال‌های بعد به ۲,۵۰۰ نیرو خواهد رسید (Whitlock, 2012). ایالات متحده و استرالیا همچنین درباره فراهم کردن دسترسی گسترده‌تر به نیروی دریایی ایالات متحده در پایگاه نیروی دریایی استرالیا، در سواحل جنوب غربی پرت، توافق کردند. حضور ارتش ایالات متحده در استرالیا به این کشور این امکان را می‌دهد که در صورت نیاز به خواسته‌های کشورهای متحد در منطقه آسیا پاسخ دهد. سنگاپور نیز تأیید کرد که در راستای توافق با آمریکا، چهار کشتی جنگی ایالات متحده در پایگاه دریایی چانگی مستقر خواهند شد (Symonds, 2013: 12). همچنین مقرر شد راهبرد چرخش به آسیا، با چندین استقرار جدید در فیلیپین و سنگاپور تکمیل گردد. در جزایر کوکوا، ایالات متحده یک مرکز نگهداری هواپیما را بروز رسانی کرد تا بتواند حرکت هواپیماهای نظارتی و شناسایی و هواپیماهای بدون سرنشین را زیر نظر داشته باشد (Taylor, 2013).

در استرالیا آمریکا همچنین به یک پایگاه دریایی جدید در بریزبن دسترسی پیدا کرد که می‌تواند زیردریایی‌ها و سایر کشتی‌های ایالات متحده را در خود جای دهد. در فیلیپین نیز آمریکا هواپیماهای نظارتی و ناوهای جنگی جدید مستقر کرد. همچنین مقرر شد یگان‌های نظامی ایالات متحده در آسیا بهترین و جدیدترین تجهیزات را دریافت کنند که از جمله می‌توان به جنگنده‌های اف-۳۵ و موشک‌ها و قابلیت‌های راداری بهبود یافته در سطح جهانی اشاره کرد (Green et al., 2016: 23). راهبرد نظامی جدید آمریکا نشان می‌داد که این کشور در راستای تقویت توانمندی نظامی خود برای مقابله احتمالی با چین حرکت می‌کند. آمریکا در همین راستا، ۴۲,۰۰۰ نیروی جدید را در چندین مکان استراتژیک در آسیا مستقر کرد از جمله در سنگاپور، فیلیپین، استرالیا، ژاپن و کره جنوبی. ایالات متحده همچنین به طور فعال انجام تمرین‌های نظامی با کشورهای آسیایی را دنبال کرد و این در حالی است که بیشتر منابع نشان می‌دهند که این تمرین‌ها به منظور هشدار به چین درباره اقدامات نامطلوب ارتش آن در آب‌های مورد اختلاف با همسایگانش بوده است (Ratner, 2013). بر این اساس می‌توان گفت در جریان راهبرد

1 - Coco Islands



چرخش به آسیا، حضور نظامی از پیش موجود ایالات متحده در منطقه، به شدت تقویت شد. به نوشته جیمز برادلی نویسنده‌ی کتاب سراب چین، «اگر شما بالای بلندترین ساختمان در پکن بروید و از آن بالا به اقیانوس آرام نگاه کنید، می‌توانید ناوهای آمریکایی را ببینید؛ می‌بینید که جزیره‌گوام دارد غرق می‌شود از بس موشک‌های سنگین آمریکایی که در آن مستقر است و به‌سوی چین نشانه رفته‌اند؛ می‌توانید به کره نگاه کنید و ببینید چه میزان تسلیحات آمریکایی، چین را نشانه گرفته‌اند؛ در ژاپن نیز وضع به همین شکل است» (Bradley, 2015: 135-137). در همین راستا، حضور نظامی آمریکا و کشورهای متحد آن از آسیای شمال‌شرقی تا جنوب‌شرق آسیا، یعنی در محیط پیرامونی چین به شدت تقویت شد (Castro, 2018: 265).

۴-۳-۴ تلاش برای تجدید حیات اقتصادی و تجاری آمریکا در منطقه: راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده آمریکا، توسعه نفوذ اقتصادی این کشور در حوزه هند - اقیانوس آرام را نیز مد نظر قرار داده است. ایجاد سازوکارهای اقتصادی و تجاری چون موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد فراپاسیفیک که به عنوان مؤلفه‌ی مهم و ستون اقتصادی و تجاری راهبرد بازگشت به آسیای ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد (Castro, 2018: 268). با این حال این موافقت‌نامه که در دولت اوباما با کشورهای منطقه امضا شد در دولت ترامپ مورد بازنگری قرار گرفت و ایالات متحده از آن خارج گردید. (Muni and Chadha, 2014: 10-11).

فرا تر از موافقت‌نامه مذکور، دولت آمریکا تلاش‌های اقتصادی دیگری را برای تقویت حضور اقتصادی در منطقه مد نظر قرار داده است هرچند هیچ‌کدام به اندازه آن قابل توجه نیستند و عملاً چین در عرصه اقتصادی به ویژه با محوریت قرارداد دادن ابتکار کمربند و راه و ارائه طیف گسترده‌ای از مشوق‌های همکاری اقتصادی و سرمایه‌گذاری، از ایالات متحده پیش افتاده است. در دولت اوباما، بانک صادرات و واردات ایالات متحده، توافق‌نامه‌های جدیدی را برای تسهیل تأمین مالی با دولت‌های برونئی، هند، اندونزی، فیلیپین و ویتنام امضا کرد. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، این بانک به ارزش ۳۲.۶ میلیارد دلار صادرات به آسیا تأمین مالی کرد که تقریباً یک‌چهارم کل معاملات آن در این دوره زمانی است (U.S. Department of Commerce, 2015). از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، تجارت کالایی ایالات متحده با آسیا، ۲۳.۶ درصد افزایش یافت و از ۱.۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱.۴۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۵ رسید (Leeman, 2016: 7). با روی کار آمدن دولت ترامپ، رویکرد دولت آمریکا از توافق چندجانبه به همکاری‌های دو جانبه با کشورهای منطقه تغییر پیدا کرد. ترامپ خاطرنشان کرد که آمریکا به توافق‌های



اقتصادی معقول و دوطرفه نیاز دارد تا مشاغل و صنایع را به سواحل آمریکا بازگرداند. ترامپ در سال ۲۰۱۷ به پنج کشور این منطقه سفر کرد و دیدگاه گسترده‌تری را برای پیگیری منافع عمومی آمریکا از طریق نشست‌ها، گفت‌وگو و ارتباطات ارائه داد. در سفر خود، او مجموعه‌ای از اهداف و منافع را در قالب راهبرد «رویای هند و اقیانوس آرام» ارائه کرد که مقرر شد در سال‌های آینده از طریق توافق مشترک به وجود آید با این حال تحرک کلی آمریکا در این دوره ضعیف ارزیابی شده است (Shambaugh, 2021: 65). بزرگترین جلوه حضور اقتصادی آمریکا در منطقه آسیا-پاسیفیک فراتر از چین در کشورهای جنوب شرق آسیا مشاهده می‌شود. حجم تجارت کالایی این کشورها با آمریکا در سال ۲۰۱۸ به ۳۳۴ میلیارد دلار رسید (چهار برابر دهه ۱۹۹۰). به طور کلی، آسه‌آن اکنون چهارمین شریک تجاری بزرگ آمریکا در سطح جهانی است. صادرات آمریکا به آسه‌آن بیش از ۵۰۰,۰۰۰ شغل در ایالات متحده را حمایت می‌کند. صادرات کالاها و خدمات آمریکایی به طور پیوسته در حال رشد بوده هر چند از رشد تجارت چین با منطقه کمتر بوده است: این رقم به ۷۵ میلیارد دلار در کالاها و ۳۱ میلیارد دلار در خدمات در سال ۲۰۱۷ رسید که افزایش ۵۹ درصدی در یک دهه را نشان می‌دهد. مهم‌تر از تجارت، سرمایه‌گذاری ایالات متحده در این منطقه بوده است. مجموع کل سرمایه‌گذاری مستقیم ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ به ۳۲۹ میلیارد دلار رسید که بیش از مجموع سرمایه‌گذاری چین، ژاپن و کره جنوبی در منطقه محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سالانه از سوی شرکت‌های آمریکایی در سال ۲۰۱۷ به ۲۴.۹ میلیارد دلار بالغ شد (تقریباً دو برابر سرمایه‌گذاری حدود ۱۳.۷ میلیارد دلاری چین). آسه‌آن مقصد اصلی سرمایه‌گذاری ایالات متحده در کل منطقه هند-پاسیفیک است. در همین حال، کشورهای آسه‌آن تا سال ۲۰۱۷ به طور مجموع ۲۸ میلیارد دلار در ایالات متحده سرمایه‌گذاری کرده‌اند (Shambaugh, 2021: 78). به طور کلی می‌توان خاطر نشان کرد که خروج دولت ترامپ از پیمان مشارکت دو سوی اقیانوس آرام، تردیدهایی را درباره میزان تعهد ایالات متحده برای حضور قدرتمند آن در این منطقه حیاتی از جهان مطرح کرد. به ویژه اینکه مشخص شد چین از رویکرد انزواگرایانه دولت ترامپ بهره گرفته و حضور اقتصادی و امنیتی خود را در این منطقه تشدید کرده است. در همین راستا بود که دولت بایدن با انتشار استراتژی هند-پاسیفیک در فوریه ۲۰۲۲، بار دیگر تأکید کرد که ایالات متحده قصد دارد گام‌هایی تاریخی برای پیشبرد چشم‌اندازی مشترک برای منطقه هند-پاسیفیک بردارد. تجارت بین ایالات متحده و منطقه هند-پاسیفیک در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۲ تریلیون دلار رسید و ایالات متحده از ۹۵۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی از منطقه هند-پاسیفیک بهره‌مند گردید. از منظر



پیوندهای علمی و فرهنگی آمار حاکی از آن است که بیش از دو سوم دانشجویان بین‌المللی در ایالات متحده از منطقه هند-پاسفیک هستند (U.S. Embassy and Consulates in Indonesia, 2024). با این وجود، باید توجه داشت که در چارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، برداشت و فهم تصمیم‌سازان در چین از سیاست چرخش به آسیای ایالات متحده فراتر از اهدافی که ایالات متحده از اعلام آن در نظر داشت، اهمیت بسزایی دارد. زیرا رهبران چین بر اساس ادراکات ذهنی و تفسیرشان از سیاست‌های ایالات متحده در آسیا، تصمیم گرفتند به راهبرد مذکور واکنش نشان دهند. بنابراین، در ادامه به برداشت و ادراکات نخبگان سیاسی چین از راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده و حرکت این کشور در مسیر بسیج منابع داخلی برای مقابله با تهدید ادراک شده، می‌پردازیم.

۲-۳- متغیر سطح واحد: برداشت رهبران پکن از راهبرد چرخش به آسیای آمریکا

در این زمان، ادراکات و تصورات نخبگان سیاسی پکن از وضعیت داخلی کشورشان این بود که، استمرار رشد اقتصادی و انباشت قدرت مادی بیش از پیش چین، این کشور را به بازارهای خارجی برای تأمین منابع اولیه به‌ویژه در حوزه انرژی، وابسته کرده است. همچنین با استمرار تقویت توان تولیدی کشور، نیاز به بازارهای بیرونی نیز بیشتر شده است و چین چاره‌ای جز این ندارد که از سیاست کم فروغ ماندن فاصله بگیرد و رویکرد فعال‌تری را برای کمک به استمرار انباشت قدرت خود در عرصه بین‌المللی به کار بندد. چرا که استمرار رشد اقتصادی کشور هر چه بیشتر به توانایی حضور و صادرات به بازارهای خارجی متکی شده است. در این شرایط، چین هر چه بیشتر به تجارت دریایی و مسیرهای دریایی برای واردات مواد خام و انرژی و صادرات کالاهای خود متکی شده بود. این در حالی بود که عموم مسیرهای دریایی در کنترل ایالات متحده به عنوان ابرقدرت جهانی قرار داشت و این کشور از طریق استراتژی چرخش به آسیا به شکل آرام و بی سروصدا تلاش می‌کرد چین را در محاصره خودش درآورد. ضمن اینکه تأمین مواد خام و منابع انرژی در محیط پیرامونی غربی چین نیز با چشم اندازی از ابهام و بی ثباتی روبرو بود.

بدین ترتیب بود که راهبرد چرخش به آسیای آمریکا، تهدیدی بسیار جدی برای خیزش قدرت چین تلقی گردید. براین اساس، ایالات متحده آمریکا با ایجاد روابط وسیع نظامی و امنیتی با کشورهای آسیای شرقی در صدد منزوی‌ساختن و مهار چین بود تا از این طریق ترتیبات امنیتی منطقه و محاسبات قدرت را در راستای منافع و اهداف واشنگتن و متحدین آن در منطقه شکل دهد (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۴۳). براساس دیدگاه رهبران پکن، منطقه آسیا - پاسفیک در هیچ دوره‌ای تا این اندازه در نقطه عطف



تصمیم‌سازان نظامی و امنیتی آمریکا قرار نگرفته بود. به‌نظر چینی‌ها، افزایش نفوذ آمریکا در آسیا با توجه به منافع آمریکا و مجتمع نظامی-صنعتی آن، به تقابل سرد در آسیا - پاسفیک بین چین و آمریکا منجر خواهد شد (عراقچی و سبحانی، ۱۳۹۱: ۵۷).

به‌باور نخبگان سیاسی پکن، در این زمان، سیاست مهار چین، ابعاد و مولفه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و نظامی و سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی به‌خود گرفت. بحران هنگ‌کنگ، تایوان، تبت و سینکیانگ نیز سبب شد نگرانی‌هایی جدی درباره انتقال ناآرامی‌ها به داخل حلقه‌ی چین توسط آمریکا، پدید آید (ساس‌بیل، ۱۳۹۶: ۳۸).

۳-۲-۱ ادراک رهبری چین از توانمندی داخلی

بروز بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، نقطه عطفی در سیاست اقتصادی چین محسوب می‌شود. در نوامبر ۲۰۰۸، شورای دولت چین یک بسته محرک اقتصادی به ارزش ۵۸۶ میلیارد دلاری را برای مقابله با پیامدهای بحران اعلام کرد. از این مبلغ، ۳۸ درصد برای زیرساخت‌های داخلی، از جمله معادل ۵۰ میلیارد دلار برای ساخت راه‌آهن تنها در سال ۲۰۰۹ در نظر گرفته شده بود. در همین زمان چین تلاش کرد برای مقابله با بحران، محدودیت‌های گرفتن وام توسط دولت‌های استانی و محلی را کاهش دهد. هزینه‌های زیرساختی داخلی توانست چند هدف همزمان را محقق کند. این کار فرصت‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاری فراهم کرد و دیگر نیاز نبود کارگران در شرکت‌های آسیب دیده اخراج شوند. همچنین این کار زیرساخت‌های ارتباطی جدید در استان‌های محروم داخلی و غربی چین ایجاد کرد و به ایجاد مشاغل جدید منجر شد (میرترابی و کشوریان آزاد، ۱۳۹۹: ۱۵۰). بدین ترتیب بود که تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۹، ۸.۷ درصد و در سال ۲۰۱۰، ۱۰.۳ درصد رشد کرد و این در حالی بود که اقتصادهای توسعه‌یافته جهان در رکود بسر می‌بردند و نظام مالی غرب در لبه‌فروپاشی قرار گرفته بود (World Bank, 2024).

از منظر رئالیسم‌نئوکلاسیک توسعه‌گرایی یک کنشگر از قدرت نسبی آن سرچشمه می‌گیرد، چون قدرت نسبی فشارهای نظام بین‌الملل، ساختار داخلی و روابط متغیرهای میانجی را دگرگون می‌سازد (Rathburn, 2008: 295). بنابر این، صعود نسبی قدرت چین در عموم مولفه‌های قدرت در پی بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸، روابط متغیرهای سطح‌واحد را دگرگون ساخت و این کشور به سمت سیاست خارجی توسعه‌گرایانه گام برداشت که در ادامه به اعلام ابتکار یک‌کمربند و یک‌راه منجر شد.



۲-۳-۲ گزینه های پکن برای فعال تر شدن در عرصه بین المللی پیش از اعلام راهبرد مهار آمریکا

پس از موفقیت چشمگیر چین در مقابله با بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸، سیاست‌گذاران چینی شروع به بررسی این مساله کردند که آیا بانک‌های کشور می‌توانند این مدل محرک اقتصادی را به خارج صادر کنند یا خیر؟ در همین زمان، جاستین ییفو لین^۱، اقتصاددان نام‌آور دانشگاه پکن، خواهان آن شد که چین برای مقابله با پیامدهای منفی بحران مالی و اقتصادی جهانی، منابع ارزی خود را در قالب بسته‌های محرک اقتصادی در بازارهای خارجی سرمایه‌گذاری کند. وی یادآور شد که اتکای اقتصاد چین به صادرات به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، مستلزم این است که بازارهای کشورهای پیشرفته از حالت رکود خارج شوند و بار دیگر بتوانند کالاهای چینی را خریداری کنند در غیر این صورت خود چین نیز گرفتار خواهد شد. در عین حال پیشنهاد لین این بود که منابع مالی چین از طریق نهادهای چندجانبه مانند گروه بیست ارائه شود. وی هشدار داد که در این مقطع صحبت کردن از موفقیت الگوی چینی رشد و توسعه اقتصادی بی‌مورد است و خود چین نیز ممکن است در صورت عدم احیای رشد اقتصادی جهانی، با مشکل رکود روبرو شود. بنابراین حرکت در مسیر اجرای یک طرح مارشال جدید توسط چین لازم است. سه‌سال قبل از این نیز یک مقام ارشد حزبی در چین به نام شانداکسو، ایده اجرای یک برنامه مارشال چینی برای صادرات ظرفیت‌ها و سرمایه اضافی چین را مطرح کرده بود. وی نیز خواهان آن شده بود که برای اینکه غرب در قبال این اقدام چین موضع تدافعی نگیرد، از نهادهای چندجانبه موجود برای سرمایه‌گذاری منابع مالی چین استفاده شود (Freyman, 2021: 40).

با این حال در عمل این پیشنهادها به چند دلیل مورد قبول رهبری چین واقع نشد. به‌طور کلی از منظر روایت حزب کمونیست، برنامه مارشال ایالات متحده، یک طرح هژمونیک برای تثبیت رهبری این کشور محسوب می‌شد و در صورتی که خود چین نیز طرحی مشابه را اعلام می‌کرد به معنای پیگیری پروژه‌ای هژمونیک از جانب رهبری در پکن برداشت می‌شد و حتی ممکن بود سوءتفاهم‌های دوران جنگ سرد را دوباره زنده کند. همچنین این پیشنهاد، آن‌گونه که چینی‌ها انتظار داشتند، خواست‌های ملی‌گرایانه رهبری چین را برآورده نمی‌کرد به‌ویژه اینکه تاکید داشت پول‌چینی در قالب نهادهای چندجانبه بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی به حرکت درآید (Freyman, 2021: 36). نیاز به یک طرح ملی جدید برای چین زمانی واضح‌تر شد که در سال ۲۰۱۱، دولت اواما از قصد خود برای ایجاد یک راه‌بریشم

¹ Justin Yifu Lin



جدید خبر داد. آن گونه که مقام‌های دولت آمریکا از این طرح سخن گفتند، ایده برقراری پیوندهای حمل و نقل بین کشورهای آسیای میانه و آسیای جنوبی در آن دنبال می‌شد و واشنگتن برای مدتی به کشورهای این منطقه برای امضای توافقاتی مربوط فشار آورد. البته چینی‌ها در این زمان متوجه نشدند که پیشنهاد وزیر خارجه کلینتون درباره احیای جاده ابریشم جدی نبوده است و در واقع، بوروکرات‌های وزارت خارجه آمریکا نیز در عمل متوجه شدند که این کار غیر واقع‌بینانه است. کنگره جمهوری خواه آمریکا در این زمان، علاقه‌ای به تامین مالی آن نداشت (تیشه یار و تويسرکاني، ۱۳۹۶: ۲۱-۲۲).

در شرایطی که زمان برگزاری کنگره حزب در سال ۲۰۱۲ نزدیک می‌شد، وانگ جیسی^۱، برجسته‌ترین مفسر مسائل خارجی چین پیشنهاد خود را برای پایه‌ریزی یک راهبرد ملی جدید در قالب ایده «رفتن به سوی غرب»^۲ مطرح کرد، که منظورش غرب چین و کشورهای آسیای میانه بود. وانگ با انتشار مقاله‌ای در گلوبال تایمز تلاش کرد ارتباطی بین نیاز رو به افزایش چین به یک فضای ژئوپلیتیکی بزرگ‌تر و اولویت‌های اصلاحات اقتصادی آن ترسیم کند. وانگ ضمن اشاره به راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده خاطر نشان کرد که «هرچند آسیا-اقیانوسیه میدان رقابت باقی خواهد ماند، اما درهای آسیای میانه به‌روی تعامل با چین باز شده است». وانگ همچنین ادعا کرد، که راهبرد حرکت به سوی غرب می‌تواند برای اقتصاد چین هم مفید باشد و همراستا با راهبرد توسعه استان‌های غربی چین، دنبال گردد. شی جین‌پینگ در کنگره دوازدهم حزب کمونیست چین به رهبری این کشور برگزیده شد. همزمان در محافل سیاسی چین، نقدهایی جدی درباره راهبرد حرکت به سوی غرب مطرح گردید. از جمله به این نکته اشاره شد که این ایده، محدوده مشخصی را برای غرب تعریف نکرده و می‌تواند از آسیای میانه، به خاورمیانه و سپس آفریقا و در ادامه به دیگر نقاط جهان هم تسری پیدا کند و معضل گسترش بیش‌ازحد و فشار بر منابع چین را به همراه داشته باشد. ضمن اینکه، حرکت در این مسیر می‌تواند حساسیت و مخالفت بسیاری از قدرت‌ها شامل روسیه و هند را برانگیزد و چین را نیز در منطقه‌ای دشوار مانند خاورمیانه درگیر سازد (Freyman, 2021: 39-40).

بر این اساس می‌توان گفت پیش از اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده آمریکا، چینی‌ها ایده رفتن به غرب را مد نظر داشتند که در آن زمان بیشتر آسیای میانه مدنظر آنها بود، اما زمانی که آمریکا استراتژی چرخش به آسیا را اعلام کرد، رهبری چین با درک خطر محاصره آمریکا، ابتکار کمربند و راه

¹ Wang Jisi

² marching westwards



را اعلام کرد که می‌توانست در حوزه‌ای گسترده‌تر به چین امکان مقابله با سیاست‌مهار آمریکا را بدهد. در عمل هم مشخص شد که ابتکار احیای جاده ابریشم، علاوه بر تلاش برای گسترش راه‌های ارتباطی زمینی در غرب چین، به گسترش راه‌های ارتباطی دریایی در جنوب و شرق چین نیز توجه دارد.

۳-۳ متغیر رفتار سیاست‌ خارجی: گزینش ابتکار کمربند و راه

در همین زمان بود که اعلام راهبرد چرخش به آسیای آمریکا، بر مصمم شدن رهبران چین در پیگیری یک ابتکار بین‌المللی فعالانه بیشترین تاثیر را داشت و به تردیدها و اختلاف نظرها درباره چگونگی به کارگیری فعال تر منابع چین در محیط پیرامونی پایان داد. همان گونه که اشاره شد، چینی‌ها تصور می‌کردند که آمریکا از طریق راهبرد چرخش به آسیا تلاش می‌کند ضمن نزدیک شدن به همسایگان و شرکای تجاری اصلی چین و تأمین روابط وسیع نظامی و امنیتی با کشورهای آسیای شرقی به شکلی استراتژیک چین را مهار و احاطه کند و از استمرار پیشرفت چین جلوگیری نماید (McBride et al, 2023). باید توجه داشت که آمریکا پیش از این نیز تلاش کرده بود معماری امنیتی منطقه را مطابق منافع خود آرایش دهد اما به نظر می‌رسید پس از اعلام راهبرد چرخش به آسیا، یک ساختار امنیتی شبکه‌ای با هدف مهار چین شکل خواهد گرفت (درخشنده لزرسانی و شفیع، ۱۴۰۱: ۲۸).

ضمن اینکه چین به گسترش پیوندهای تدارکاتی در مرزهای خشکی غربی به شدت نیاز داشت. در این شرایط بود که رهبری جدید چین احساس کرد به یک طرح ملی جدید برای مقابله با سیاست‌مهار آمریکا و پیشبرد اولویت‌های مرتبط با خیزش قدرت این کشور نیازمند است. این موضوع، به یک مسئله کلیدی در بحث‌های سیاستی پیش از برگزاری کنگره‌ی هیجدهم حزب در نوامبر ۲۰۱۲ تبدیل شد. بدین ترتیب بود که رهبری چین به ایده‌ی احیای جاده ابریشم روی خوش نشان داد (Freymann, 2021: 34).

از منظر رویکرد نئوکلاسیک، دولت‌ها زمانی در خارج از کشور به توسعه و گسترش منافع ملی خود می‌پردازند که نخبگان سیاسی آنها درک کنند که قدرت نسبی آنها بسط خواهد یافت (Zakaria, 1998: 38). بر این مبنا رهبری چین تلاش کرد تهدید برداشت شده از ناحیه راهبرد چرخش به آسیای آمریکا را با اقدامی متقابل که متضمن به کارگیری گسترده تر منابع قدرت خود در محیط پیرامونی بود، پاسخ دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت که در این مقطع و در نظام آنارشیک بین‌المللی، هدف چین صرفاً تأمین امنیت در برابر تهدید پیش رو نبوده بلکه این کشور تلاش داشته است با تکیه بر منابع و توانمندی‌های انباشته خود، حضور پررنگ تری در محیط پیرامونی اش پیدا کند و مسیر خیزش قدرت خود را نیز هموار سازد.



در چنین شرایطی بود که شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، با درک چالش‌های مرتبط با راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده آمریکا، در سپتامبر ۲۰۱۳، در سفر خود به آسیای مرکزی، طرح ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم را مطرح کرد. شی در دانشگاه نظریات قزاقستان پیشنهاد کرد که چین و کشورهای آسیای مرکزی دست‌به‌دست هم بدهند و کمربند جاده ابریشم را در منطقه جهت همکاری‌های بیشتر تاسیس نمایند (Ishaque, 2022: 32).

رئیس جمهور چین، ماه بعد، در جریان سخنرانی خود در پارلمان اندونزی ابتکار راه ابریشم دریایی را نیز به عنوان اقدامی مکمل برای راه ابریشم زمینی در اورآسیا، اعلام کرد. و بعداً هر دو طرح خود را ادغام کرد و «یک کمربند و یک جاده»^۱ نامید (Ishaque, 2022: 32). این بار شی به سفرهای ژوئیه هی، فرمانده نیروی دریایی چین که هفت ماموریت را در دریای چین جنوبی و اقیانوس هند بین سال‌های ۱۴۰۵ تا ۱۴۳۲ به انجام رسانده بود، اشاره کرد. وی خاطرنشان کرد که چین به تعهداتش برای سرمایه‌گذاری در کشورهای موجود در امتداد راه ابریشم دریایی، از سواحل چین در دریای چین جنوبی، امتداد آن از طریق تنگه مالاکا در حاشیه اقیانوس هند و در نهایت از طریق کانال سوئز تا نقطه انتهایی این راه در بندر پیرائوس در یونان عمل خواهد کرد (Freyman, 2021: 39-40).

۳-۱- گشودن مسیر دریایی در کنار مسیر زمینی برای گسترش قدرت چین

همان گونه که پیش از این اشاره شد مقام‌های چین قبل از اعلام راهبرد چرخش به آسیا، گزینه‌هایی را برای به کارگیری منابع قدرت خود در محیط پیرامونی مد نظر قرار داده بودند که شامل به کارگیری منابع مالی در چارچوب نهادهای مالی بین‌المللی و ایجاد یک راه زمینی در مرزهای غربی این کشور در قالب راهبرد حرکت به سوی غرب بود. با این حال راهبرد چرخش به آسیا سبب شد چین برنامه حضور بین‌المللی خود را گسترش بخشد و به ویژه گسترش در آبهای شرقی و جنوبی کشور را با اعلام راه اندازی راه ابریشم دریایی قرن ۲۱، مد نظر قرار دهد. بدین ترتیب رهبری چین به این نتیجه رسید که به طور همزمان، هم در مسیرهای خشکی در مرزهای غربی و هم در مسیرهای دریایی در مرزهای شرقی و جنوبی پروژه‌های گسترش حضور خود را دنبال نماید.

واقعیت هم این است که از منظر مقابله با راهبرد چرخش به آسیای آمریکا، گسترش چین در مرزهای آسی شرقی و جنوبی اهمیت بیشتری داشت چراکه راهبرد مهار ایالات متحده قرار بود با تمرکز بر

¹ One Belt, One Road



مسیرهای دریایی، حلقه ای از پایگاه های نظامی متحدان واشنگتن را در اطراف محیط دریایی چین سامان ببخشد. تحلیل عملکرد چین در توجه راهبردی و تخصیص منابع به پروژه های کمربند و راه نیز نشان می دهد که این کشور منابع بیشتری را برای توسعه مسیرهای تدارکات دریایی و بندرها و اسکله ها، در مقایسه با راه های زمینی تخصیص داده است. به سخن دیگر، از نظر تخصیص منابع، راه ابریشم دریایی شاهد سرمایه گذاری ها و ابتکارات بیشتری از سوی دولت چین بوده است (Bradley et al., 2023).

راه ابریشم دریایی مجموعه گسترده ای از پروژه ها است که از آسیای جنوب شرقی شروع می شود و به جنوب شرقی اروپا منتهی می گردد. این ابتکار در آسیای جنوب شرقی، شامل تعدادی قابل توجهی از کریدورهای اقتصادی و ایجاد منطقه های ویژه همکاری اقتصادی و تجاری است. یک گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۹ نشان می دهد که در بین پروژه های در مرحله برنامه ریزی، مطالعه امکان سنجی، مناقصه، یا در حال ساخت در قالب ابتکار مذکور، اندونزی با جذب ۹۳ میلیارد دلار (Jamrisko, 2019) پیشنهاد شده و پس از آن ویتنام (۷۰ میلیارد دلار) و مالزی (۳۴ میلیارد دلار) قرار داشته اند.

۳-۲ بهره گیری از کمربند و راه برای تقابل با راهبرد مهار آمریکا

همان طور که پیش از این اشاره شد، تحلیلگران چینی یک دینامیک استراتژیک رقابتی فزاینده بین ایالات متحده و چین در سراسر منطقه هند-پاسیفیک، به ویژه در جنوب شرق آسیا مشاهده می کنند. این یک دینامیک جدید نیست، زیرا تحلیلگران استراتژیک چین از دوران ریاست جمهوری اواما استدلال کرده اند که رقابت استراتژیک منطقه ای و تناقضات ساختاری از آن زمان شروع به افزایش کرده است. بسیاری از مقالات منتشر شده در چین، سیاست «چرخش به آسیا»ی اواما را اقدامی برای «مهار» چین البته به شکلی ظریف قلمداد کرده اند. در حالی که تحلیلگران چینی توجه دوباره آمریکا به جنوب شرق آسیا را به عنوان آغازگر راهبرد چرخش اواما می دانند، اکثر آنها بر این باورند که این رقابت تحت ریاست جمهوری ترامپ نیز ادامه یافته است (Shambaugh, 2021: 212).

بر این اساس، چین تلاش کرد در کل منطقه هند و اقیانوس آرام و به ویژه در شرق و جنوب شرق آسیا، به سرعت حضور و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را گسترش بخشد. کارشناسان برجسته ای همچون دیوید شامبا بر این باورند که نقطه ثقل رقابت چین و ایالات متحده در منطقه جنوب شرق آسیا متمرکز شده است و در این منطقه، سرعت گسترش حضور و نفوذ چین از ایالات متحده پیشی گرفته



است (Shambaugh, 2021: 242). طی یک دهه منتهی به سال ۲۰۲۲، تجارت کالایی آسه آن با چین بیش از دو برابر شد و در سال ۲۰۲۲ به ۷۲۲ میلیارد دلار رسید. این رقم، نزدیک به یک پنجم تجارت جهانی آسه آن را به خود اختصاص می دهد. از سال ۲۰۲۰، آسه آن و چین به بزرگترین شریک تجاری یکدیگر تبدیل شده اند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری چین در آسه آن در سال ۲۰۲۲ به ۱۵.۴ میلیارد دلار افزایش یافت که نسبت به ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۹ قبل از همه‌گیری، افزایش قابل توجهی را نشان می دهد (Wester, 2023) چین با هر ده عضو آسه آن پیمان‌های مشارکت راهبردی به امضا رسانده است. در آگوست ۲۰۱۹ وزرای امور خارجه آسه آن در نشست سالانه وزیران آسه آن و چین در بانکوک، چین را «مهم‌ترین» شریک گفتگوی این مجمع اعلام کردند (Calunsod, 2019).

در همین حال، شامبا ارزیابی جالبی درباره رویکرد کلی سیاست خارجی ده کشور عضو آسه آن نسبت به ایالات متحده و چین انجام داده است. وی بر این باور است که در سال ۲۰۲۰، از ده کشور آسه آن، هفت کشور به چین گرایش داشته اند یعنی برونئی، کامبوج، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار و تایلند. به تعبیر شامبا، این هفت کشور رویکرد متوازن نسبت به این دو قدرت بزرگ ندارند اگرچه اندونزی ممکن است فکر کند که اینطور است. همه آنها با چین همسو می شوند و به سمت آن گرایش دارند. از سوی دیگر سه کشور فیلیپین، سنگاپور و ویتنام به ایالات متحده نزدیکتر هستند (Shambaugh, 2021: 243).

بنابراین به نظر می رسد رویکرد تقابلی چین و آمریکا در منطقه جنوب شرق آسیا، به عنوان جایی که ابتکار راه ابریشم دریایی چین از آنجا آغاز می گردد، رنگ و بویی بسیار جلدی به خود گرفته است. جالب توجه است که در راهبرد امنیت ملی دولت ترامپ نیز ضمن اشاره به تشدید رقابت میان ایالات متحده و چین اشاره شده است که چین به دنبال راندن ایالات متحده از منطقه هند و اقیانوس آرام، گسترش دامنه مدل اقتصادی دولت محور خود، و پیگیری یک نظم جدید در این منطقه است.

ضعف آمریکا در تأمین نیازهای ذاتی کشورهای آسیای شرقی و عضو ابتکار، آنها را به سوی چین سوق داده است. این مساله به چین این امکان را می دهد که در ذیل ابتکار کمربند و جاده، وام‌دهی و سرمایه‌گذاری‌های خود را در این کشورها توسعه دهد و در فروش و گسترش فناوری نسل پنجم (G5)، نصب ریل پرسرعت، تولید انرژی‌های خورشیدی و بادی، انتشار پلتفرم‌های پرداخت الکترونیکی، توسعه سیستم‌های انتقال ولتاژ فوق‌العاده بالا و موارد دیگر، در این کشورها پیش‌گام باشد. همچنین فناوری‌های پیشرفته، استانداردهای فنی ترجیحی و جاده‌ی ابریشم دیجیتال، چین را قادر می‌سازد که



کشورهای شریک در ابتکار را در اکوسیستم خود قفل کرده و اطلاعات ضروری را از آنها جمع‌آوری کند و در راستای اولویت سیاستگذاری‌های خود و مقابله با سیاست‌مهار آمریکا استفاده نماید (Lew et al, 2021: 4).

نتیجه‌گیری

راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده از طریق استقرار مجدد بخش بزرگ نیروهای نظامی آمریکا در منطقه هند - اقیانوس آرام و حضور این کشور در نهادها و ساختارهای چندجانبه منطقه‌ای، نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری رهبری چین در ورود به بزرگترین ابتکار بین‌المللی برای توسعه زیرساخت‌های ارتباطی در محیط پیرامونی اش داشت. همان‌گونه که مقاله نشان داد در این مقطع، چین به واسطه عبور موفق از بحران مالی و اقتصادی سال ۲۰۰۸، با انباشت منابع مالی و توانمندی‌های ساخت و ساز شرکت‌های داخلی خود روبرو بود و همزمان تلاش می‌کرد چارچوبی برای حضور فعال‌تر شرکت‌ها و سرمایه‌های چینی در محیط پیرامونی و حتی بین‌المللی را فراهم سازد. به نظر می‌رسد اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، از یک سو، ادراکی جدی از تهدید به محاصره شدن چین توسط بزرگترین قدرت بین‌المللی را به همراه داشت و از سوی دیگر رهبران چین را مصمم کرد با تکیه بر بسیج حمایت‌های داخلی برای پروژه احیای قدرت ملی، از منابع انباشته شده داخلی برای پیشبرد یک ابتکار بلندپروازانه برای حضور فعال‌تر در عرصه بین‌المللی بهره‌برداری نمایند.

از این منظر می‌توان گفت راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، نقطه عطفی بود که ادراک نسل جدید رهبری چین را از منابع و امکانات داخلی و تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو را به شدت شکل داد. این‌گونه بود که ابتکار احیای جاده ابریشم به عنوان امضای سیاست خارجی رهبر جدید چین، در مرکز توجه قرار گرفت و چین را وارد بزرگترین برنامه توسعه و تدارک زیرساخت‌هایی کرد که هدف نهایی آنها، تقویت مرکزیت چین در مجموعه اتصال‌های خشکی و دریایی ایجاد شده است. چین با این کار هم با تهدید ناشی از محاصره شدن مقابله می‌کند و هم همزمان فضای مانور خود را در محیط‌های پیرامونی اش به شدت گسترش می‌بخشد. همان‌گونه مقاله نشان داد پیش از اعلام راهبرد چرخش به آسیا، طرح‌ها و ایده‌های کمتر بلندپروازانه‌ای در راستای بهره‌گیری از منابع و امکانات انباشته داخلی چین در سطوح بالای رهبری چین مد نظر بود و بنابراین این گمانه قابل طرح است که در صورت عدم



اعلام راهبرد چرخش به آسیای ایالات متحده، چین ابتکاری کم دامنه تر را برای فعال کردن ظرفیت های مالی و توسعه ای خود در محیط پیرامونی اشان دنبال می کرد.

منابع

- اشرفی، حمیدرضا و شیخ‌الاسلامی، محمدحسن (۱۴۰۲)، «رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال کمربند-جاده در پرتو راهبرد کلان آمریکا در قبال چین (۲۰۱۳-۲۰۲۰)»، **مطالعات کشورها**، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۹.
- تیشه‌یار، ماندانا و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۹۶)، «مبانی ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، سال ۲۳، شماره ۹۹، صص ۱-۲۵.
- جوزانی کهن، شایان و جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۷) «بررسی مقایسه‌ای رویکرد سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما و ترامپ در منطقه آسیای شرقی»، **فصلنامه روابط خارجی**، ۳۹(۱۰)، ۱۲۵-۱۵۲.
- چیگینی زاده، غلامعی و حسین رضوی (۱۴۰۲)، «جایگاه اقیانوس هند در رقابتهای راهبردی هند-چین (۲۰۱۳-۲۰۲۲)»، **سیاست جهانی**، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۷-۴۱.
- درج، حمید و بصیری، محمد علی (۱۴۰۰)، «تأثیر رقابت منطقه ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه ای شرق آسیا»، **پژوهش های جغرافیای انسانی**، سال ۵۳، شماره ۱، صص ۲۴۳-۲۶۴.
- درخشنده لزرجانی، مریم و شفیع، نوذر (۱۴۰۱)، «سیاست ایالات متحده نسبت به چین در چارچوب استراتژی مصون سازی (۲۰۲۱ - ۱۹۹۰)»، **سیاست جهانی**، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۷-۳۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **سیاست خارجی**، سال ۲۵، شماره ۲، صص ۲۷۵-۲۹۴.
- رفیع، حسین و بختیاری‌جامی، محسن (۱۳۹۲) «استراتژی آمریکا در تقابل با نفوذ اقتصادی و سیاسی - امنیتی چین در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۳، ۸۱-۱۰۶.
- زارع، سارا. نادری، مسعود. و احمدیان، قدرت (۱۴۰۰)، «ناسازگاری‌های هویتی چین و آمریکا و تشدید ناسیونالیسم چینی»، **سیاست جهانی**، سال ۱۰ شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۳۳.
- سادات الوند، مرضیه و سادات حسینی، مریم (۱۳۹۹)، «تحلیل سیاست خارجی تهاجمی/کنشگرانه عربستان از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک (۲۰۱۰-۲۰۲۰)»، **فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، سال ۲، شماره ۴، صص ۱-۲۴.
- ساس‌بیل، اندریا (۱۳۹۶)، «نگاه چین به افغانستان پسا ۲۰۱۴»، ترجمه محبوب الله افخمی، **فصلنامه مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان - ویژه چین**، شماره ۳۷، صص ۳۷-۵۷.
- سلیمی، حسین. و ابراهیمی، منار (۱۳۹۴)، «مبانی نظری، فرانتزی و نقد نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک»، **فصلنامه پژوهش های روابط بین‌الملل**، ۱(۱۷)، ۱۳-۴۲.



عراقچی، عباس و سبحانی، مهدی (۱۳۹۱). «تقابل سرد در آسیا؛ پیامد رویکرد نظامی جدید آمریکا در آسیا - پاسفیک»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴، شماره ۴، صص ۳۵-۶۷.

کوهکن، علیرضا و عقلی دهنوی، الیاس (۱۳۹۸)، «یک‌کمر بند یک‌راه در سیاست خارجی چین و تاثیر آن بر رویکرد این کشور نسبت به خاورمیانه»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۲۳، صص ۲۱۷-۲۴۰.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.

موسوی، سید محمد علی، خدایی، اسفندیار (۱۳۹۵)، «روابط آمریکا و چین در خلیج فارس: همکاری یا تقابل»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۱، ۶۱-۸۸.

Bower, E. Z., et al. (2015), Southeast Asia's Geopolitical Centrality and the U.S.-Japan Alliance. Rowman & Littlefield. <https://www.csis.org/analysis/southeast-asia%E2%80%99s-geopolitical-centrality-and-us-japan-alliance>

Bradley, J. (2015), The China Mirage: The Hidden History of American Disaster in Asia, London: Little Brown and Company.

Bradley C. et al. (2023), "Belt and Road Reboot: Beijing's Bid to De-Risk Its Global Infrastructure Initiative," AidData, November.

Calunsod, Ronron (2019), "China Rises to Become ASEAN's 'Most Important' Dialogue Partner," Kyoto News, August 5, 2019.

Castro, R. C. D., (2018), "21st Century U.S. Policy on an Emergent China: From Strategic Constraint to Strategic Competition in the Indo-Pacific Region", International Journal of China Studies, Vol. 9, No. 3, PP. 259-283.

Clinton, H. (2010, October 28), America's Engagement in the Asia-Pacific. U.S. Department of State, <https://2009-2017.state.gov/secretary/20092013clinton/rm/2010/10/150141.htm>

Clinton, H. (2011), "America's Pacific Century", Foreign Policy, (Nov 2011), Retrieved from: <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/americas-pacific-century/>

Freyman, E. (2021), One Belt One Road Chinese Power Meets the World, London: Harvard University Asia Center.

Green, M., et al (2016), Asia-Pacific rebalance 2025: Capabilities, presence, and partnerships, Rowman & Littlefield.

Ishaque, W. (2022), "Analyzing United States Pivot to Asia and China's Global Rebalancing through Belt and Road Initiative (BRI)", NUST Journal of International Peace & Stability, Vol.5, No.3, PP. 31-45.

Jamrisko, Michelle (2019) "China No Match for Japan in Southeast Asia Infrastructure Race," Bloomberg, June 22, : <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-06-23/china-no-match-for-japan-in-southeast-asia-infrastructure-race>. Data cited in this article come from Fitch Solutions.

Junbo, Jian (2012) "Beijing's new overseas imperative", Asia Times Online, February 17

Khan, H. U., & Ali, S. (2022), "The Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP): an analysis of its potential benefits for China", Liberal Arts and Social Sciences International Journal (LASSIJ), Vol. 6, No.2, PP. 175-189. <https://doi.org/10.47264/idea.lassij/6.2.10>.



Leeman, Jonathan (2016) Legislative and Intergovernmental Specialist, United States Department of commerce, , July 23.

U.S. Embassy and Consulates in Indonesia (2024),Fact Sheet, February 9.

<https://id.usembassy.gov/the-united-states-enduring-commitment-to-the-indo-pacific-indonesia>

Lew, J., et al. (2021), “China’s Belt and Road Implications for the United States”, Council on Foreign Relations, Independent Task Force Report, No. 79, Available at: <https://www.cfr.org/report/chinas-belt-and-road-implications-for-the-united-states/findings>.

Lindley, D. (2022), “Assessing China’s Motives: How the Belt and Road Initiative Threatens US Interests”, Journal of Indo-Pacific Affairs, No. 4, PP.72-90.

McBride, J., et al. (2023), “China’s Massive Belt and Road Initiative”, Council on Foreign Relations, <https://www.cfr.org/backgroundunder/chinas-massive-belt-and-road-initiative>
Muni, S. D., & Chadha, V. (2014), Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press), First Published, New Delhi.

Rathburn, B. (2008), “Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism” ,Security Studies, NO.17, pp 294-321.

Rose, G. (1998), “Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy”, World Politics, Vol. 51, No. 1, PP. 144-172.

Shai, Aron (2012), “Detachment no longer serves Chinese interests in Middle East”, Global Times, August 2

Shambaugh, David (2021), Where Great Powers Meet: America & China in Southeast Asia, New York: Oxford University Press.

Shweller, R. L. (1996), “Neorealism’s Status-Que Bias: What Security Dilemma?” , Security Studies, Vol. 5, No. 3,PP. 90-121.

Shweller, R. L., & Priess, D. (1997), “A Tale of Two Realisms: Expanding the Institutions Debate”, Mershon International Studies Review, Vol. 41, No.1, PP. 1-32.

Symonds, P (2013), Pivot to Asia: US Military Build Up in Asia, Threatening China, <http://www.globalresearch.ca/pivot-to-asia-us-military-build-up-in-asia-threateningchina/5337361>.

Taylor, B. (2013), A new flank: fresh perspectives for the next Defence, White Paper.

The White House. (2011), President Obama’s speech to the Australian Parliament. Office of the Press Secretary, <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-pressoffice/2011/11/17/remarks-president-obama-australian-parliament>.

The White House, (2017), National Security Strategy of the United States of America. Date of extraction: 15/8/2024, Available at: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>.

Trade Map-International Trade Statistics, (2024), Trade Map Bilateral trade between China and East Asia, Date of extraction: 19/8/2024, Available at: https://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm.

U.S. Department of Commerce (2015), U.S. Secretary of Commerce Penny Pritzker Leads CEO Mission to Show U.S. Commitment to Asia, May 30.

Wang, C. (2016), Obama’s Challenge to China: The Pivot to Asia, London: Routledge.



Wester, Shay (2023), “Balancing Act: Assessing China’s Growing Economic Influence in ASEAN”, Asia Society Policy Institute, November 8.

<https://asiasociety.org/policy-institute/balancing-act-assessing-chinas-growing-economic-influence-asean>.

White House, (2011), Remarks by President Obama to the Australian Parliament, November 17. <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2011/11/17/remarks-president-obama-australian-parliamen>.

Whitlock, C. (2012), Washington Post, US –Australia to Broaden Military Ties Amid Pentagon Pivot to SE Asia, http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-to-expand-ties-with-australia-as-it-aims-to-shift-forces-closer-to-seasia/2012/03/19/gIQAPSXlcS_story.htm

World Bank, (2024), GDP growth (annual %) – China From 1961 to 2023, Date of extraction: 20/2/2024, Available at: [GDP growth \(annual %\) - China | Data \(worldbank.org\)](https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDPSV.LT.ZS?locations=CN)

World Integrated Trade Solution, (2024), China Product exports and imports to East Asia & Pacific From 2011 to 2022, Date of extraction: 19/8/2024, Available at: <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/CHN/Year/2021/TradeFlow/EXPIMP/Partner/EAS/Product/all-groups>

Zakaria, F. (1998), From Wealth to Power: the Unusual Origins of America World role, Princeton: Princeton University Press.

Zhao, M. (2021), “The Belt and Road Initiative and China–US strategic competition”, China International Strategy Review, No.3, PP.248–260. <https://doi.org/10.1007/s42533-021-00087-7>